

غزل شماره ۲۳۴

چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

نیم در سرگل بشنند کُلاه سنبل
چو از میان چمن بوی آن کُلاه برآید

نهایت شب بجران نه آن نهایتِ حالیت
که شمه ای زیانیش به صدر رساله برآید

ز گردِ خوانِ نگونِ فلکِ طمعِ توانِ داشت
که بی ملالتِ صد غصه، یک نواله برآید

به سعیِ خودِ توانِ بُردِ پی به کوهِ مقصود
خیال باشد کاین کار بی حواله برآید

کرت چون نوحِ نبی صبر هست در غمِ طوفان
بلا بگردد و کام هزار ساله برآید

نسیمِ زلفِ تو چون بگذرد به تربتِ حافظ
ز خاکِ کالبدش صد هزار لاله برآید

تفسیر فال

توقعات بسیار زیادی از روزگار و شرایط زندگی داری و در دل خود آرزو می‌کنی که بدون هیچ زحمتی و دردسری به تمام خواسته‌هایت دست یابی. اما باید بدانیم که این نوع تفکر بیشتر شبیه یک رویا است و در واقع، بدون تلاش و کوشش مداوم، هیچکس نمی‌تواند به اهداف بزرگ خود برسد. بنابراین، همانطور که حضرت نوح با اراده‌ای قوی و ایمان راسخ، کشتی خود را ساخت تا از طوفان نجات یابد، تو نیز باید با عزم و اراده‌ای مشابه آینده‌ات را بسازی. تنها از این طریق است که می‌توانی از بلاها رهایی یابی و فقر را پشت سر بگذاری. زندگی پر از چالش‌هاست اما با تلاش مستمر، می‌توانی به موفقیت‌های بزرگ دست پیدا کنی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)